

کتاب دانیال - شماره شصت و نه

پرده برداری از چرخه نسل: چهار امر شنیع در ادونتیسم

Jeff Pippenger

2024-02-02

خدا هرگز تغییر نمی‌کند، و بنابراین ادونتیسم در نسل چهارم خود داوری می‌شود.

و او مردی را که کتان بر تن داشت و دوات نویسنده بر پهلویش بود، فراخواند؛ و خداوند به او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم عبور کن و بر پیشانی مردانی که برای همه رجاسات انجام شده در میان آن ناله می‌کنند و می‌گیرند، نشانی بگذار. و به دیگران، در حالی که من می‌شنیدم، گفت: در پی او از میان شهر بگذرید و بزنید؛ چشمتان دریغ نوزد و ترحم مکنید؛ پیر و جوان، هم باکره‌ها و کودکان خردسال و زنان را بالمره بکشید؛ اما به هیچ مردی که بر او آن نشان است نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید. آنگاه از ریش سفیدانی که در برابر خانه بودند آغاز کردند.

عیسی در آستانه ترک کرسی رحمت قدسگاه آسمانی است تا جامه‌های انتقام بر تن کند و خشم خود را در داوری‌ها بر کسانی فرو ریزد که به نوری که خدا به آنان داده پاسخ نداده‌اند. «زیرا چون حکم بر کار بد به سرعت اجرا نمی‌شود، دل بنی‌آدم یکسره بر آن می‌شود که بدی کنند.» به جای آنکه صبر و بردباری درازمدتی که خداوند نسبت به آنان به کار برده دلشان را نرم سازد، کسانی که از خدا نمی‌ترسند و حقیقت را دوست نمی‌دارند دل‌های خود را در مسیر شرارتشان سخت‌تر می‌کنند. اما حتی بردباری خدا نیز حد و مرزی دارد و بسیاری از این مرزها فراتر می‌روند. آنان از حدود فیض گذشته‌اند، و از این‌رو خدا باید دخالت کند و جلال و حرمت خویش را اعاده نماید.

درباره اموریان، خداوند گفت: «در نسل چهارم بار دیگر به اینجا باز خواهند آمد، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است.» هرچند این قوم به سبب بت‌پرستی و فسادش شهره بود، هنوز جام گناه خود را پر نکرده بود و خدا فرمان نابودی کاملش را صادر نمی‌کرد. مقرر بود که مردم قدرت الهی را به گونه‌ای چشمگیر آشکار شده ببینند تا عذری برایشان باقی نماند. خالق رحیم حاضر بود تا نسل چهارم در برابر گناهشان بردباری کند. سپس، اگر بهبودی دیده نمی‌شد، داوری‌های او بر آنان فرود می‌آمد.

با دقتی بی‌خطا، آن ذات نامتناهی هنوز حساب همه ملت‌ها را نگه می‌دارد. تا زمانی که رحمت او همراه با دعوت به توبه عرضه می‌شود، این حساب باز می‌ماند؛ اما هنگامی که ارقام به حدی که خدا مقرر کرده برسد، اجرای خشم او آغاز می‌شود. حساب بسته می‌شود. شکیبایی الهی پایان می‌یابد. دیگر برای آنان التماس رحمت در میان نیست.

پیامبر، که در امتداد اعصار می‌نگریست، این زمان در برابر دیدگانش نمایان شد. ملت‌های این عصر دریافت‌کنندگان رحمت‌هایی بی‌سابقه بوده‌اند. برگزیده‌ترین برکات آسمان به آنان عطا شده است، اما تکبر فزاینده، حرص، بت‌پرستی، بی‌حرمتی به خدا و ناسپاسی پست بر ضد آنان ثبت شده است. آنان به سرعت حساب خود را با خدا می‌بندند.

اما آنچه مرا به لرزه می‌اندازد این است که آنان که بیشترین نور و امتیازات را داشته‌اند، به شرارت رایج آلوده شده‌اند. تحت تأثیر ناراستان اطراف خود، بسیاری، حتی از میان کسانی که به حقیقت اقرار دارند، سرد شده و مغلوب جریان نیرومند شر گشته‌اند. تحقیر همگانی پارسایی و قداست حقیقی سبب می‌شود کسانی که پیوند نزدیکی با خدا ندارند، حرمت شریعت او را از دست بدهند. اگر از نور پیروی می‌کردند و از دل از حقیقت اطاعت می‌کردند، این شریعت مقدس

هنگامی که چنین تحقیر و کنار گذاشته می‌شود، در نظرشان عزیزتر می‌نمود. هرچه بی‌حرمتی به شریعت خدا آشکارتر می‌شود، خط تمایز میان پاسداران آن و جهان روشن‌تر می‌گردد. محبت به فرامین الهی در یک گروه به همان نسبت افزایش می‌یابد که تحقیر آنها در گروهی دیگر فزونی می‌گیرد.

بحران به سرعت نزدیک می‌شود. آمار به سرعت فزاینده نشان می‌دهند که زمان رسیدگی خداوند نزدیک شده است. گرچه از مجازات کردن اکراه دارد، با این همه مجازات خواهد کرد، آن هم به سرعت. کسانی که در نور راه می‌روند نشانه‌های خطر نزدیک‌شونده را خواهند دید؛ اما نباید در سکوت و بی‌تفاوتی بنشینند و در انتظار ویرانی بمانند، و با این باور به خود دلگرمی دهند که خداوند در روز رسیدگی قوم خود را پناه خواهد داد. به هیچ‌وجه چنین نیست. باید دریابند که وظیفه دارند با جدیت بکوشند تا دیگران را نجات دهند و با ایمانی استوار چشم امید به یاری خدا بدوزند. «دعای مؤثر و پرحرارتِ مردِ پارسا بسیار کارساز است.»

خمیرمایه تقوا کاملاً قدرت خود را از دست نداده است. در زمانی که خطر و اندوه کلیسا به اوج می‌رسد، گروه کوچکی که در نور ایستاده‌اند برای پلیدی‌هایی که در سرزمین انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌گریند. اما به‌ویژه دعا‌های ایشان در حق کلیسا برخواهد خاست، زیرا اعضای آن مطابق روش جهان رفتار می‌کنند.

دعا‌های صادقانه این معدود وفاداران بی‌پهوده نخواهد بود. هنگامی که خداوند به‌عنوان دادخواه ظاهر شود، همچنین به‌عنوان حافظ همه کسانی خواهد آمد که ایمان را در پاکی آن حفظ کرده و خود را از جهان بی‌لکه نگاه داشته‌اند. در همین هنگام است که خدا وعده داده است از برگزیدگان خود که شبانه‌روز نزد او فریاد می‌کنند دادخواهی کند، هرچند با آنان درنگ می‌ورزد.

فرمان این است: «از میان شهر بگذرید، از میان اورشلیم، و نشانی بر پیشانی مردانی بگذارید که به خاطر همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و زاری می‌کنند.» این نالانان و گریانان کلمات حیات را عرضه کرده بودند؛ توبیخ کرده، اندرز داده و التماس نموده بودند. برخی از کسانی که خدا را بی‌حرمت می‌کردند توبه کردند و دل‌های خود را در حضور او فروتن ساختند. اما جلال خداوند از اسرائیل رفته بود؛ هرچند بسیاری هنوز ظواهر دین را ادامه می‌دادند، قدرت و حضور او دیگر در میانشان نبود. گواهی‌ها، جلد ۵، ۲۰۷-۲۱۰.

تصویری از داوری خدا که خواهر وایت در این بخش مشخص می‌کند، همان داوری‌ای است که بر شهر اورشلیم جاری شد؛ شهری که در روزهای آخر نماد کلیسای ادونتیست روز هفتم است. این داوری در هنگام قانون یکشنبه قطعی می‌شود، زیرا همان‌جاست که مهر خدا و نشان وحش نهاده می‌شوند. حزقیال باب هشتم چهار رجس فزاینده را مشخص می‌کند. آیه نخست با تعیین روز پنجم ماه ششم سال ششم تأکید می‌کند که این رؤیا باید درست پیش از بسته شدن مهلت آزمایشی فهمیده شود.

حزقیال نیازی نداشت آن اشاره تاریخی را ذکر کند. او می‌توانست به سادگی بنویسد: «و چنین شد که چون در خانه خود نشسته بودم، و مشایخ یهودا در برابر من نشسته بودند، دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد.» این‌که او اشاره به روز پیش از «۶۶۶» را گنجانده، برای شاگردان نبوت، اشاره‌ای نبوی است. این اشاره، برای آنان که بر عدد نام وحش پیروزی یافته‌اند و «۶۶۶» را می‌شناسند، جزئی از مکاشفه عیسی مسیح است که اندکی پیش از پایان یافتن دوران مهلت، مهر از آن برداشته می‌شود. آنان این را می‌دانند، زیرا قوم خداوند؛ قومی که، بنا بر گفته پطرس، «در گذشته قوم خدا نبودند.»

در رساله اول پطرس، باب دوم، آنان که اکنون قوم خدا هستند، «چشیده‌اند که خداوند کریم است.» آنان همان کسانی‌اند که به‌طور نبوی «کلام خدا را خورده‌اند»، بر خلاف کسانی که از خوردن کلام خدا سر باز زدند. تمام انبیا درباره روزهای آخر سخن می‌گویند، و در یوحنا باب ششم، عیسی این پیام را

داد که شاگردانش باید گوشت او را بخورند و خون او را بنوشند. در همان باب، شاگردانی که از خوردن گوشت او و نوشیدن خون او امتناع کردند، در آیه شصت و شش چنین کردند.

از آن زمان بسیاری از شاگردانش بازگشتند و دیگر با او همراهی نکردند. یوحنا ۶:۶۶

خردمندان که در ایام آخر گوشت مسیح را می‌خورند و خون او را می‌نوشند، درمی‌یابند که مسیح به‌عنوان پلمونی، شمارنده شگفت‌انگیز است و وقتی امضایش عرضه می‌شود، آن را تشخیص می‌دهند. عدد "665" در آیه نخست باب هشتم کتاب حزقیال، برای هر که بخواهد ببیند، نشان می‌دهد که دست‌کم دو نکته مهم نبوی را مشخص می‌کند. نخست این‌که پیام باید چنین فهمیده شود که دوره‌ای پیش از قانون یکشنبه را در بر می‌گیرد. دوم این‌که عدد "666" در یکی از تنها دو آیه کتاب مکاشفه قرار دارد که با این قید مشخص شده است که «خردمندان» در ایام آخر آن را خواهند فهمید.

در اینجا حکمت است. هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد؛ زیرا عدد انسان است؛ و عددش شصت و شش است. مکاشفه ۱۸:۱۳.

«خردمندان» که با گشوده شدن مهر مکاشفه عیسی مسیح، افزایش معرفت در ایام آخر را درمی‌یابند، خواهند دانست که «۶۶۶» نمادی مهم و نبوی است، زیرا بر آن عدد غلبه یافته‌اند. از این‌رو حزقیال در باب هشتم شورشی تصاعدی را معرفی می‌کند که با چهار رجاسات فزاینده نمایانده می‌شود. آخرین آن‌ها نادانان را در حال سجده به خورشید معرفی می‌کند و بدین‌سان نشان‌گر داوری اورشلیم (ادونتیسیم) در ایام آخر است. آن داوری در نسل چهارم رخ می‌دهد. آن چهار رجاسات نمادهای چهار نسل ادونتیسیم لائودکیایی هستند.

نسل نخست در سال ۱۸۶۳ آغاز شد، با شورش علیه سوگند موسی درباره «هفت بار». بیست و پنج سال بعد، شورش ۱۸۸۸ آشکار شد. سی و یک سال پس از آن، شورش ۱۹۱۹ رخ داد که کتاب «آموزه مسیح» اثر دلیو. دلیو. پرسکات نماینده آن بود. سی و هشت سال بعد از آن، در ۱۹۵۷، شورش که کتاب «پرسش‌هایی درباره آموزه‌ها» نماینده آن بود، رخ داد. اکنون آغاز می‌کنیم تا نشان دهیم چرا این چهار نشانه راه با چهار رجاسات باب هشتم حزقیال هم‌راستا هستند.

در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لائودکیه‌ای نمودار تازه‌ای را معرفی کرد تا جایگزین دو نموداری شود که تحقق فرمان باب دوم حبقوق مبنی بر این بود: «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن ساز.» نمودار ۱۸۶۳ «هفت زمان» را از تصویر نبوی حذف کرد؛ حال آن‌که در آن دو نمودار مقدس، در کنار ۱۲۶۰، ۱۲۹۰ و ۱۳۳۵، آمده بود. در حبقوق، این فرمان مشخص می‌کند که لوح‌ها (به‌صورت جمع) به گونه‌ای منتشر شوند که «هر که آن را می‌خواند بتواند بدود». نمودار ۱۸۶۳ آن قدر از مقصود دور بود که برای همراهی با آن به جزوهای توضیحی نیاز می‌شد. بدون یک جزوه اضافی، نمی‌شد به نمودار ۱۸۶۳ نگاه کرد و «دوید».

و خداوند به من پاسخ داد و گفت: رویا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا ساز تا هر که آن را می‌خواند بتواند بدود. حبقوق ۲:۲

نمودار ۱۸۶۳ جعلی بود که برای پوشاندن حقیقت طراحی شده بود، دقیقاً همان‌گونه که ویلیام میلر در خوابش دید. آن دو نمودار مقدس نماد عهدی بودند که مسیح با مردمانی بست که به‌تازگی جایگاه خود را به‌عنوان شاخ پروتستان حقیقی وحش زمین پذیرفته بودند. آن دو نمودار نماد رابطه عهدی میان پیروان میلر و مسیح بودند؛ همان‌که در سال ۱۸۴۴ ناگهان به هیکل خود آمد، و چون آمد، به‌عنوان فرستاده عهد آمد. اسرائیل باستان نمونه اسرائیل معاصر است، و هنگامی که مسیح اسرائیل باستان را از بندگی مصر بیرون آورد، آن واقعه نمونه‌ای از زمانی بود که او می‌بایست اسرائیل معاصر را از بندگی هزار و دویست و شصت ساله سلطه پاپی بیرون بیاورد. خواهر وایت بارها این دو تاریخ را

تاریخ‌های موازی می‌داند.

«نور انباشته قرون گذشته بر ما می‌تابد. گزارش فراموشی قوم اسرائیل برای روشنگری ما محفوظ مانده است. در این عصر، خدا دست به کار شده است تا مردمی از هر قوم، قبیله و زبان را برای خود گرد آورد. در جنبش ظهور، او برای میراث خود عمل کرده است، همان‌گونه که برای بنی‌اسرائیل در بیرون آوردنشان از مصر عمل کرد. در سرخوردگی بزرگ سال ۱۸۴۴، ایمان قوم او آزموده شد، همان‌گونه که ایمان عبرانیان نزد دریای سرخ آزموده شد.» گواهی‌ها، جلد ۸، صفحات ۱۱۵ و ۱۱۶.

وقتی خداوند با اسرائیل قدیم وارد میثاق شد، برای نمایاندن رابطه میثاق، دو لوح به آنان داد. وقتی خداوند با اسرائیل امروزی وارد میثاق شد، برای نمایاندن رابطه میثاق، دو لوح عطا کرد. دو لوح ده فرمان نما دو لوح حقوق هستند. او اندکی پس از عبور از دریای سرخ آن دو لوح را به آنان داد؛ رویدادی که خواهر وایت آن را منطبق با یأس بزرگ ۱۸۴۴ می‌داند. اندکی پس از ۱۸۴۴، از منظر تاریخ نبوی، خداوند لوح دوم را فراهم آورد. اسرائیل قدیم امانت‌دار شریعت خدا شد، و اسرائیل امروزی نه تنها امانت‌دار شریعت خدا، بلکه امانت‌دار آن حقایق عظیم نبوی نیز شد.

«خدا در این روزگار کلیسای خود را، همان‌گونه که اسرائیل قدیم را فراخواند، فراخوانده است تا در زمین چون نوری بایستد. به وسیله تبر نیرومند حقیقت، پیام‌های فرشته نخست، دوم و سوم، آنان را از کلیساها و از جهان جدا ساخته است تا آنان را به نزدیکی مقدسی با خود برساند. او آنان را امانت‌داران شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت برای این زمان را به آنان سپرده است. چنان‌که اقوال مقدس به اسرائیل قدیم سپرده شده بود، اینها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند.» شهادت، جلد ۵، ۴۵۵.

دو فرمان نخست نفرت خدا از بت‌پرستی را نشان می‌دهند، و در همان دو فرمان نخست او بیان می‌کند که داوری تا نسل سوم و چهارم اعمال می‌شود، زیرا او خدای غیور است.

شریعت در آن هنگام صرفاً برای منفعت عبرانیان بیان نشد. خدا آنان را با برگزیدنشان به‌عنوان نگاهبانان و پاسداران شریعت خود گرامی داشت، اما مقرر بود که این شریعت به‌منزله امانتی مقدس برای تمام جهان نگاه داشته شود. احکام ده فرمان متناسب با همه نوع بشر است و برای تعلیم و اداره همگان عطا شد. ده فرمان، کوتاه، جامع و مقتدرانه، وظیفه انسان را نسبت به خدا و نسبت به هم‌نوع خود دربر می‌گیرد؛ و همه بر اصل بزرگ و بنیادین محبت استوار است. «خداوند، خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت و با تمامی فکر خود محبت کن؛ و همسایه خود را چون خویشتن.» لوقا ۱۰:۲۷. همچنین بنگرید به تثنیه ۶:۴، ۵؛ لاویان ۱۹:۱۸. در ده فرمان این اصول به تفصیل بیان شده و با وضعیت و شرایط انسان قابل اعمال گردیده‌اند.

'تو نباید در برابر من خدای دیگری داشته باشی.'

یهوه، آن ازلی خودموجود نامخلوق، که خود سرچشمه و نگهدارنده همه چیز است، تنها اوست که شایسته عالی‌ترین حرمت و پرستش است. انسان از آن منع شده است که به هر چیز دیگری در محبت یا خدمت خود جایگاه نخست بدهد. هرآنچه را عزیز می‌داریم و موجب کاسته شدن محبت ما به خدا یا اختلال در خدمتی می‌شود که سزاوار اوست، همان را برای خود خدایی می‌سازیم.

برای خود هیچ تمثال تراشیده و هیچ‌گونه صورتی از آنچه در آسمان بالا، یا در زمین زیرین، یا در آب‌های زیر زمین است مساز؛ در برابرشان سجده مکن و آنها را پرستش مکن.

فرمان دوم پرستش خدای حقیقی به وسیله تصاویر یا تمثیل را منع می‌کند. بسیاری از اقوام بت‌پرست ادعا می‌کردند که تصاویرشان صرفاً اشکال یا نمادهایی است که به وسیله آنها خدا

پرستیده می‌شود، اما خدا چنین پرستشی را گناه اعلام کرده است. کوشش برای نمایاندن وجود جاودانه به وسیله اشیای مادی، تصور انسان از خدا را تنزل می‌دهد. ذهنی که از کمال بی‌نهایت یهوه روی برمی‌گرداند، به جای خالق، به مخلوق جذب می‌شود. و هرچه تصورات او از خدا پایین‌تر بیاید، انسان نیز به همان نسبت رو به انحطاط می‌گذارد.

«من، یهوه خدای تو، خدای غیورم.» رابطه نزدیک و مقدس خدا با قومش در قالب تمثیل ازدواج به تصویر کشیده شده است. از آنجا که بت‌پرستی زناى روحانى است، ناخشنودی خدا از آن به درستی «غیرت» نامیده می‌شود. پدران و پیامبران، ۳۰۵، ۳۰۶.

غیرت خدا به طور خاص در برابر بت‌پرستی آشکار می‌شود و اتفاقی نیست که نخستین رجس در باب هشتم حزقیال «تصویر غیرت» است.

و واقع شد که در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا در برابر من نشسته بودند، دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگریستم، و اینک شبه‌ای به هیئت آتش: از کمرش به پایین، آتش؛ و از کمرش به بالا، به هیئت درخشندگی، به رنگ کهربا. و شکل دستی را پیش آورد و مرا به گیسویی از سرم گرفت؛ و روح مرا میان زمین و آسمان بلند کرد و در رؤیاهای خدا مرا به اورشلیم آورد، نزد در درونی دروازه‌ای که رو به شمال است؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود که به غیرت برمی‌انگیخت. و اینک، جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، مطابق رؤیایی که در دشت دیده بودم. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، اکنون چشمانت را به سوی شمال بردار. پس چشمانم را به سوی شمال برداشتم، و اینک در شمال، نزد دروازه مذبح، این تمثال غیرت در مدخل بود. حزقیال ۱:۸-۵

تصویر حسادت نخستین چهار پلیدی فزاینده‌ای است که به حزقیال نشان داده می‌شود. تصویر حسادت نمایانگر آغاز نسل نخست از چهار نسل سرکشی فزاینده در ادونتیسیم است. نسل نخست در سال ۱۸۶۳ آغاز شد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«هر یک از انبیای باستانی کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما، به گونه‌ای که نبوت آنان برای ما نافذ است.» و همه این امور بر ایشان واقع شد تا نمونه‌ها باشد؛ و برای تنبیه ما مکتوب گردید، که نهایت‌های عالم بر ما رسیده است.» 1 Corinthians 10:11. «نه برای خود، بلکه برای ما آن اموری را خدمت می‌کردند که اکنون به شما خبر داده شده است به وسیله آنان که انجیل را برای شما موعظه کرده‌اند، با روح‌القدس که از آسمان فرستاده شد؛ اموری که فرشتگان مشتاق‌اند در آن‌ها بنگرند.» Peter 1:12....»

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.